

باسمه تعالی

- ۱..... استعمال در بیشتر از یک معنا
- ۱..... کلام محاضرات
- ۱..... ابتدا بحث استعمال بر وضع
- ۲..... عدم ابتدا بحث استعمال بر بحث وضع
- ۲..... حقیقت استعمال
- ۲..... ادعای صاحب قوانین
- ۳..... جواب مرحوم اخوند
- ۳..... کلام صاحب معالم
- ۳..... جواب مرحوم اخوند

موضوع: بررسی اقوال / استعمال لفظ در بیشتر از یک معنا / مقدمات علم اصول

خلاصه مباحث گذشته:

بحث در استعمال لفظ در اکثر از معنا بود که گفته شد عمده بحث باید متمرکز بر کلام مرحوم اخوند شود و ایشان فرمود تحلیل استعمال همان فانی کردن لفظ در معنا است که در این صورت محال است که یک لفظ در دو معنا فنا باشد. حال به کلام ایشان میپردازیم

استعمال در بیشتر از یک معنا

کلام محاضرات

ابتنا بحث استعمال بر وضع

اینکه حقیقت استعمال چیست مبتنی بر این است که ببینیم که حقیقت وضع چیست؟ تا معلوم شود که حقیقت استعمال چیست؟ اگر مبنای ما در وضع این باشد که تنزیل بشود لفظ به منزله معنا (در مقابل مبنای جعل ملازمه و همچنین مبنای تعهد) در این صورت استعمال همان افنا لفظ در معنا است یعنی واضع کارش مقدمه استعمال ما است اگر واضع گفت لفظ را در این معنا وضع کردم یعنی آن را به منزله معنا قرار دادم اما اگر حقیقت وضع غیر از این مبنا باشد دیگر افنا در کار نیست یا ملازمه است و یا طبق تعهد افنایی در کار نیست.

عدم ابتنا بحث استعمال بر بحث وضع

اولا این ادعا درست نیست اینکه وضع مقدمه استعمال است درست است و شکی در آن نیست ولی اینکه حقیقت استعمال منوط به حقیقت وضع باشد درست نیست بلکه مقدمه اعدادیه است ممکن است واضع همان کار تنزیل را کرده باشد ولی مستعمل در مقام استعمال آن را مبرز قرار بدهد و آن را علامت قرار بدهد و همچنین عکس آن نیز صحیح است و هیچ ملازمه ای بین حقیقت وضع و حقیقت استعمال نیست و هر دو عملیات جداگانه هستند هر چند که ارتباطی بین آنها وجود دارد چنانچه مرحوم اخوند در بحث وضع میفرماید وضع یک نوع ارتباط است ولی در اینجا که بحث استعمال است میفرماید افنا است پس ربط هست ولی ابتنا نیست.

حقیقت استعمال

برای بدست آوردن حقیقت استعمال باید عمل خودمان را تحلیل کنیم تا به حکم مساوی بودن حکم امثال یک حکم کلی بدست بیاوریم ما در ارتکازمان افنا را یافت نمیکنیم و مستعملین الفاظ را به کار میبرند و شان الفاظ شان مرائی نیست و خلاف ارتکاز است بلکه لفظ و معنا دو وجود است و هر دو لحاظ میشود و دقت در گزینش الفاظ میکند و الفاظ فانیات نیستند و مغفولات نیستند ولو اینکه الی هستند ولی این گونه نیست که از آن غافل باشیم نظیر علم اصول که الی است ولی خودش به تنهایی لحاظ میشود پس منظور از الی بودن این است که هدف خودش نیست بلکه دیگری است. پس الفاظ مجرد مبرزات هستند و اشکالی ندارد که یک لفظ ابراز شود و چند معنا اراده شود. ولی ابراز یک معنا به دو لفظ کار همه نیست بلکه کار انسان های تیز هوش هستند

ادعای صاحب قوانین

در مقام وضع لغات الفاظ وضع شده اند برای معنای به قید وحدت. زید برای این شخص وضع شده به قید اینکه فقط همین هیکل اراده شود پس جایز نیست که لفظ را در متعدد استعمال شود مثلا عین برای جاریه وحدها و عین برای چشمه وحدها وضع شده است و تخطی از قول لغوی جایز نیست.

جواب مرحوم اخوند

این ادعا بدون دلیل است زیرا اولاً دلیل وضع تبادر است و تبادر ان قید را افاده نمیکند تا ایشان این حرف را نمیزند هیچ کس ان را نمیدانست اشکال ایشان در این بوده است که خلط بین مفهوم و مصداق کرده است اینکه معنا یکی بوده است خلط کرده است بین اینکه ان شرط وضعش بوده است

بله وقتی واضع کار وضع را انجام میداد در حال وحدت بوده است ولی شرطش نبوده است ثانیاً بر فرض که ادعای مرحوم قمی درست باشد اما واجب نیست که از ان تبعیت شود.

کلام صاحب معالم

ایشان فرموده است که در مفرد این استعمال درست نیست اما در تثنیه و جمع مشکلی ندارد زیرا تثنیه و جمع در قوه تکرار مفرد است میخواستند چند بار ان را تکرار کند یک لفظ آورده است که ان را افاده کرده است و از عین اول اراده باکیه شود و از عین دوم جاریه اراده شود

جواب مرحوم اخوند

معنای تثنیه و جمع عبارت است از تعدد ما ارید من المفرد یعنی دو چیز از ان چیزی که از مفرد اراده شده است اگر منظور از مفرد جاریه است باید از بقیه نیز همان باشد پس حکم همان مفرد را دارد
ان قلت: در اعلام شخصیه مثل زیدان که مراد دو زید مختلف است و در اعلام قابل تعدد نیست تا ادعای شمادر ان جاری شود.
قلت: در این گونه موارد تاویل برده میشود یعنی مسمی ها مراد است و معنایش این است که مسمای به زید دو تا هستند که دو نامیده شده به زید. پس مفرد در این جا مسمی به زید است نه خود زید.
ثانیاً اصلاً این ادعای شما استعمال لفظ در بیشتر از یک معنا نیست بلکه تثنیه وضع شده برای تعدد در معانی.
ادامه بحث در جلسه آینده